

عقل می‌گوید بان و عشق می‌گوید برو

و این هر دو عقل و عشق را، خداوند آفریده است

تا وجود انسان در حیرت میان عقل و عشق معنا شود...

سید شهیدان اهل قلم، مرتضی‌آذینی

بان زندگی کن

پاسدار شهید مدافع حرم داود مرادخانی

سمیرا احمدی

سرشناسه: احمدی، سمیرا، ۱۳۶۳ بهمن
 عنوان و نام پدیدآور: بهمان زندگی کن؛ شهید مدافع حرم داود مرادخانی / سمیرا احمدی.
 مجری طرح: مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه استان زنجان.
 مشخصات نشر: زنجان: غواص، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۹۶-۴-۶-۴ ریال ۱۰۰۰۰۰
 وضعیت فهرست نویسی: قیفا
 موضوع: شهیدان مسلمان -- سوره -- سرگذشتنامه
 شناسه افزوده: مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه انصارالمهدی بنیاد استان زنجان.
 رده بندی کنگره ۶۶/BP۵۲/ ۳۱۳۹۶/ الف ۳۷ م:
 رده بندی دیویی: ۹۹۸/۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۴۸۶۴۸



تدوین و نگارش: سمیرا احمدی
 مجری طرح: مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه استان زنجان
 طرح جلد و امور هنری: مهدی امیراصیلان پور
 چاپ: زیتون - ناشر: غواص - نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
 تیراژ: ۱۰۰۰ جلد - قطع: رقعی --- صفحه
 قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان - شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۹۶-۴-۶-۴



نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.
 دفتر نشر: زنجان - خیابان ۱۷ شهریور - مرکز حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس سپاه انصارالمهدی بنیاد استان زنجان
 تلفن: ۰۲۴-۳۳۵۳۵۰۶-۰۲۴-۳۳۰۶۲۳۰۷
 شماره پیامک: ۶۶۰۰۰۲۴۰۰۰۷
 رایان نامه: ghavvas.nashr@gmail.com

فهرست

۹.....	مقدمه ناشر
۱۱.....	اشاره
۱۳.....	فصل اول
۱۹.....	فصل دوم
۲۳.....	فصل سوم
۲۷.....	فصل چهارم
۳۱.....	فصل پنجم
۳۵.....	فصل ششم
۳۹.....	فصل هفتم
۴۳.....	فصل هشتم
۴۹.....	فصل نهم
۵۵.....	فصل دهم
۶۱.....	فصل یازدهم
۶۵.....	فصل دوازدهم

۶۹	فصل سیزدهم
۷۳	فصل چهاردهم
۷۷	فصل پانزدهم
۸۱	فصل شانزدهم
۸۹	فصل هفدهم
۹۳	فصل هجدهم
۹۷	فصل نوزدهم
۹۹	ضمائم

www.ketab.ir

مقدمه ناشر

«داود گل بود...» این جمله را، ادر بزرگوار شهید مراد خانی در مصاحبه برای کتاب گفته بود. برای ارزش آفرینش مقدمه همین جمله کوتاه مادر را به کمک می‌گیرم. داود واقعاً «گل» بود. دل به معنای معرفتی و ادبی آن، انسانی خودساخته، مومن، مهربان، مودب، شجاع و مقید به ارزش‌های دینی و اجتماعی. رزمنده‌ی شجاع و منظم، آینده‌ررفیقی که همه را دوست داشت و دوستش داشتند. داود فرزند بی‌نظیری را در دایم مادر پیر، همسری فوق‌العاده و یگانه و پدری دلسوز برای همین «گل» در دامن داود برجسته‌تر بود.

داود از زمان ورود به سپاه تا آخرین روز شهادت، طبق گفته دوستان و هم‌رزمانش همیشه آماده بود؛ لحظه‌ای درنگ را جایز نمی‌دانست. در سی سال خدمت خود همواره در میدان مبارزه بود. در جنوب، غرب و شمال‌غرب... و باین همه خواست خدا براین قرار گرفت که مجوز شهادتش

به دست بی بی زینب علیها السلام در سوریه صادر شود.

«بمان زندگی کن» برشی کوتاه از روزهای پایانی زندگی شهید مدافع حرم داود مراد خانی است که عمری را برای جهاد و مبارزه در راه انقلاب و وطن سپری کرد. با وجود اینکه ماه های آخر خدمتش را می گذراند تصمیم می گیرد داوطلبانه برای دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام و دفاع از شرافت انسان ها سرباز شود، در این بین با مخالفت همسرش که همواره، همراه و پشت بانش برای جهاد بود مواجه می شود.

همسری که زینب به تنگنایب برای ماندن و «زندگی» با آرامش بعد از سالها زحمت و نبودن در خانه ایمی گشاید و سعی می کند با بهانه های روزمرگی زندگی، همسرش را پایبند ماندن در خانه بدارد. داود در بحبوحه سال نو و تکاپو و تدارک مردم برای جشن سال نو، فول مردانه ای می دهد پانزده روزه برگردد تا سال جدید را در کنار خانواده باشد.

پانزده روزه آمد، البته آوردند، تکه پاره ای از وجودش را که علی اکبروار اربا اربا شده بود.

«بمان زندگی کن» حاصل مصاحبه و تدوین سرکار خانم سمیه راeesدی نویسنده جوان و خوش آتیه زنجان با خانواده و دوستان شهید است که روزهای پایانی زندگی این شهید عزیز را با قلم زیبایی خود تصویر کرده است.